


بازتاب مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان سال بلوا اثر عباس معروفی

سولماز رزاق‌زاده شبستری^۱ 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۰

ID: 10.22080/RJLS.2023.26164.1437

چکیده

رئالیسم جادویی چنانچه از نامش برداشت می‌شود، آمیزه‌ای از واقعیت و خیال است. ساختار و اساس واقعیت در این شیوه دچار تغییر و تحول می‌شود و گاهی واقعیت چنان با خیال و رویا و جادو و عناصر ماورایی در هم آمیخته می‌شود که تشخیص مرز بین آنها مشکل می‌شود. مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در دو سطح ساختار و محتوا قابل بررسی هستند. در سطح محتوایی مؤلفه‌هایی مانند تخیل، دوگانگی (تقابل)، رمز و نمادپردازی، رویا و افسانه، توجیه‌ناپذیری برخی وقایع، وجود عنصر غافلگیری، ابهام و در سطح ساختار مؤلفه‌هایی چون توصیفات سوررئالیستی، توصیف جزئیات، زاویه‌ی دید و جریان سیال ذهن، قرار دارند. این سبک به دلیل ویژگی‌های خاص خود و نزدیک بودن با فرهنگ و ادبیات ایران همواره مورد استقبال نویسندگان و خوانندگان فارسی‌قرار داشته است. عباس معروفی یکی از نویسندگانی است که از این شیوه در نوشتن آثار داستانی و نمایشی خود بهره برده است. در پژوهش حاضر، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، پس از تعریف و بیان تاریخچه و ویژگی‌های رئالیسم جادویی، به استخراج و چگونگی بازتاب ویژگی‌های بارز این سبک در رمان «سال بلوا» پرداخته‌ایم. گاهی نمونه‌های استخراج شده از این رمان در تطابق کامل و صد در صد با این ویژگی‌ها نیستند و انتساب آنها به این ویژگی‌ها به معنای قطعیت نیست بلکه کوششی است تا این ویژگی‌ها و شدت و ضعف آنها را در این رمان نشان دهیم. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در رمان «سال بلوا» برخی از ویژگی‌های بارز رئالیسم جادویی مانند تخیل، نماد، دوگانگی، اسطوره و افسانه، حوادث شگفت‌انگیز در سطح محتوایی و مؤلفه‌هایی چون استفاده از شیوه‌ی جریان سیال ذهن، توصیفات سوررئالیستی، توصیف دقیق جزئیات، و زاویه‌ی دید جابه‌جا شونده در سطح ساختاری، قابل استخراج و مشاهده است.

کلیدواژه‌ها: رمان معاصر، رئالیسم جادویی، عباس معروفی، سال بلوا.

۱- مقدمه

رئالیسم جادویی یکی از شاخه‌های مکتب رئالیسم است که در آن ساختار و اساس واقعیت دچار تغییر و تحول می‌شود. رئالیسم جادویی درون‌مایه‌ی خیالی و نامأنوس دارد. در آثاری که به شیوه‌ی رئالیسم

۱. دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسؤول) ایران. رایانامه:

جادویی نوشته می‌شود، همه چیز طبیعی است؛ اما عاملی غیر طبیعی یا جادویی نیز وجود دارد که باعث می‌شود فضا و جهان داستان خلق شده، روابط علی و معلولی ویژه‌ی خود را داشته باشد.

آثار داستانی نوشته شده بر مبنای اصول این شیوه، امروزه از پرفرودارترین آثار در نزد نویسندگان و خوانندگان و منتقدان داستان است، تعدد آثاری که به این شیوه نوشته شده‌اند، این ادعا را اثبات می‌کند. در ایران نیز با توجه به پیشینه‌ی وجود افسانه‌ها و باورهای بومی، رئالیسم جادویی مورد توجه نویسندگان واقع شده و نویسندگان فارسی نیز از این شیوه‌ی داستان‌نویسی در آثار خود بهره برده‌اند. در ادبیات فارسی در طی دهه‌های گذشته ما شاهد ظهور نویسندگان و رمان‌نویسانی بوده‌ایم که به این شیوه‌ی داستان‌نویسی توجه نشان داده‌اند. نشان دادن تقابل سنت و مدرنیته، بیان نگرش‌های سیاسی، اسطوره‌پردازی، بازنمایی فرهنگ اقلیمی، و نمایش بن‌مایه‌های فمینیستی، باعث روی آوردن نویسندگان ایرانی به رئالیسم جادویی است. (شیروانی، ۱۳۹۹: ۶۰)؛ عباس معروفی از نویسندگانی است که از این شیوه‌ی روایی در خلق برخی از آثار خود بهره برده است. او در رمان «سال بلوا» از ابزارها و عناصری چون اسطوره، نماد، خرافه، باورهای بومی، حوادث شگفت‌انگیز و توجیه‌ناپذیر، سحر و جادو، وهم و ترس، ماورالطبیعه، ابهام، توصیفات سوررئالیستی، جریان سیال ذهن، و زاویه‌ی دید متغیر، کمک می‌گیرد و رمانی به سبک رئالیسم جادویی خلق می‌کند. پژوهش پیش‌رو، مؤلفه‌های یادشده را در این رمان استخراج کرده و سپس به بررسی و تحلیل آن می‌پردازد.

۱-۱- بیان مسأله

در سبک رئالیسم جادویی واقعیت و مجاز چنان درهم تنیده شده‌اند که گاهی شناختن مرز بین آنها دشوار می‌شود. «آمیختگی الگوهای واقع‌گرایی با خیال و وهم و عناصر رویاگونه به شکلی است که اثر جدید به هیچ یک از عناصر سازنده‌اش شبیه نیست و خصوصیتی مستقل و جداگانه دارد. در چنین داستان‌هایی قصه در شکل خیال و وهم ارائه می‌شود و همین مسأله داستان‌های واقع‌گرایی جادویی را از داستان‌های خیال و وهم جدا می‌کند.» (میرصادقی، ۱۳۸۷: ۴۹۶)

اساس رئالیسم جادویی بر تخیل نویسنده استوار است و اسطوره و رمز و خرافات و باورهای قدیمی نیز به این تخیل کمک می‌کند. «رئالیسم جادویی طبیعتی دوگانه دارد و معمولاً از آن به عنوان گونه‌ای یاد می‌شود که دو الگوی متفاوت واقعی و جادویی را به هم می‌آمیزد. در این نوع داستان‌ها ترتیب توالی زمان به هم می‌ریزد و روایت زمانی وقایع استادانه جابه‌جا می‌شوند. جاذبه‌ی داستان و همخوانی واقعیت با سحر و جادو یادآور قصه‌های کهن است و در عین حال مسائل امروزی را بازتاب می‌دهد.» (میرزایی نیا و سالمی، ۱۳۹۶: ۱۶۸)



صاحب‌نظران برای رئالیسم جادویی مؤلفه‌هایی را در سطح محتوا و ساختار برمی‌شمارند. بارزترین شاخصه‌های محتوایی این سبک عبارت است از: خرق عادت، ظهور ناگهانی حوادث فراطبیعی، ظهور ناگهانی موجودات آبر انسانی و اسطوره‌ای، استفاده‌ی وهم‌آلود از استعاره‌ها و نمادها، دوگانگی، راوی بی‌طرف، به کارگیری افسانه‌ها، فولکلور، عینیت‌بخشی به پدیده‌های جادویی، استفاده از عنصر غافلگیری، عقاید و باورهای شگفت‌انگیز ناشی از بومی‌گرایی، طبیعت‌گرایی و به ویژه اسطوره‌گرایی و تجربه‌های انسانی به شکل روایا، تصوّر، ادراک، احساسات و ناخودآگاه، خیال‌بافی و فانتزی الهام‌گرفته از ما به ازای اسطوره‌ای، سکوت اختیاری، کشمکش، و تقابل جهان خیالی و واقعی؛ در سطح فنی و ساختاری نیز رئالیسم جادویی مؤلفه‌هایی مانند پیرنگ پیچیده، استفاده از شیوه‌ی روایی جریان سیال ذهن، توصیفات سوررئالیستی، زاویه‌ی دید جابه‌جا شونده، و توصیف دقیق جزئیات دارد؛ اما به طور کلی تلفیق واقعیت و تخیل رکن اصلی داستان‌های رئالیسم جادویی است. (پورنامداریان، ۱۳۸۸: ۴۸؛ همچنین cuddon. 1992: 522)

هدف نویسندگان در استفاده از این شیوه‌ی روایی نیز عمدتاً تاختن علیه استعمار داخلی و خارجی، مبارزه با تبعیض‌های نژادی و جنسیتی، و احیای فرهنگ‌های بومی است که در اثر ورود مدرنیته به فراموشی سپرده شده‌اند.

رئالیسم جادویی، ریشه‌ای عمیق در فرهنگ و تمدن کشورهای مختلف دارد. امروزه داستان‌ها و رمان‌های بسیاری در این قالب نوشته می‌شود که هر یک در عین تلاش برای القای مفاهیم مورد نظر و در پی کسب وجهه‌ای هنری هستند. نویسندگان از این سبک بیشتر برای بیان حقایق سیاسی، تاریخی و اجتماعی استفاده می‌کنند که بیان آن در شرایط موجود برایشان غیرممکن بوده و به مشکلاتی برای آنها منجر می‌شده است.

در ادبیات فارسی غلامحسین ساعدی و رضا براهنی را می‌توان نخستین داستان‌نویسانی دانست که آثاری به سبک و سیاق رئالیسم جادویی آفریده‌اند. (ناظمیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۸)؛ نویسندگانی چون ساعدی و براهنی احتمالاً بدون آشنایی با این شیوه از آن استفاده کردند. ساعدی مدت‌ها قبل از اینکه رئالیسم جادویی به شهرت برسد، با خلق داستان‌های «عزاداران بیل» عناصر بارز این سبک را در داستان‌های خود به کار برد. در دهه‌های بعد محمود دولت‌آبادی نیز در این سبک طبع آزمایی کرد. شهرنوش پارسی‌پور و منیرو روانی‌پور نیز از پیشگامان این سبک به شمار می‌روند. رمان «اهل غرق» از منیرو روانی‌پور از برجسته‌ترین رمان‌های فارسی در این زمینه است؛ هر چند برخی معتقدند این رمان دارنده‌ی بخش اعظمی از ویژگی‌های رئالیسم جادویی است و تک‌تک ویژگی‌ها را ندارد. عباس

معروفی نیز در دهه‌های متأخر رمان‌هایی با این شیوه‌ی روایی خلق کرده است؛ یکی از رمان‌های او «سال بلوا» است که برخی از شاخصه‌های رئالیسم جادویی در آن قابل مشاهده است.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

- مهم‌ترین مؤلفه‌های رئالیسم جادویی چیست؟

- آیا می‌توان از رمان سال بلوا به عنوان یکی از آثار رئالیسم جادویی نام برد؟

- گزاره‌های رئالیسم جادویی در رمان سال بلوا کدامند و بسامد آنها در این رمان سال بلوا چگونه

است؟

۱-۳- روش پژوهش

در پژوهش پیش‌رو سعی نگارنده بر آن است که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای پس از تعریف و بیان تاریخچه و شاخصه‌های رئالیسم جادویی، بازتاب ویژگی‌های این سبک را در این رمان نشان دهد.

۱-۴- پیشینه‌ی پژوهش

با وجود محبوبیت و خلق آثار فراوانی که به این شیوه‌ی روایی نوشته شده‌اند، تا به حال در خصوص رئالیسم جادویی کتاب مستقل و جامعی تألیف یا ترجمه نشده است و اطلاعات موجود در این زمینه به تعداد معدودی مقاله محدود می‌شود که تنها به ذکر کلیات پرداخته‌اند. برای مثال:

- رضا سیدحسینی (۱۳۸۷) در کتاب «مکتب‌های ادبی» به اختصار این مکتب را معرفی کرده است.

- حسن عابدینی (۱۳۷۷) در جلد‌های ۳ و ۴ کتاب «صد سال داستان‌نویسی» به نقدی کوتاه بر رمان «اهل غرق» پرداخته و در ضمن این نقد به طور گذرا ویژگی‌های این مکتب را برشمرده است.
- در مقابل، آثار قابل توجهی به ویژه در سطح مقایسه رمان‌ها با یکدیگر در قالب پایان‌نامه و مقاله نوشته شده است. برای نمونه:

- علی خزاعی فرد (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «رئالیسم جادویی در تذکرةالاولیاء» اذعان می‌کند که کتاب حاضر یکی از بهترین نمونه‌های رئالیسم جادویی در ادبیات عرفانی است.

- ناصر نیکویخت و مریم رامین‌نیا (۱۳۸۵) در مقاله‌ی «بررسی رئالیسم جادویی در رمان اهل غرق از منیرو روانی‌پور» مؤلفه‌های سبک رئالیسم جادویی را از این رمان استخراج کرده‌اند.

- محمدعلی آتش سودا و اعظم توگلی (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی رمان صد سال تنهایی و رمان عزاداران بیل ساعدی» شاخصه‌های رئالیسم جادویی را در این دو اثر با هم مقایسه می‌کنند.

بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که تاکنون در خصوص موضوع مورد نظر نگارنده، پژوهشی صورت نگرفته است.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری پژوهش

به طور کلی و در ساده‌ترین تعریف، «رنالیسم جادویی روایتی واقع‌گراست که بافتی جادویی دارد، یعنی واقعیتی که رویدادی شگفت‌انگیز را باز می‌نماید. در این گونه آثار، خواننده با دنیایی واقعی روبه‌روست که ناگهان در آن اتفاقی خارق‌العاده و غیر قابل درک روی می‌دهد. همین ناهمگونی بازساخت آن را از دیگر داستان‌های وهمی و شگفت‌انگیز دشوار می‌کند.» (جزینی، ۱۳۹۰: ۸)

«نویسندگان آمریکای لاتین با به کارگیری فضاها و باورهای بومی و اسطوره‌ها و افسانه‌های محلی آمریکای لاتین که با برخی از اصول پست مدرنیسم مانند بازگشت به سنت همخوانی داشت و تلفیق آن با شیوه‌های مدرن روایت که ریشه در مکتب مدرنیسم اروپا داشت، شیوه‌ی تازه‌ای در داستان‌نویسی آفریدند که رنالیسم جادویی نام گرفت. این اصطلاح، امروزه به عنوان اصطلاح اصلی برای ارجاع به تمام آثار داستانی این شیوه‌ی روایی استفاده می‌شود؛ آثار داستانی روایی که مجال وقوع حوادث جادویی، بر بستر روایتی واقع‌نمایانه هستند.» (بوورز، ۱۳۹۳: ۸)

رنالیسم جادویی، از یک سو به خاطر بیان واقعیت‌های اجتماع با مکتب رنالیسم پیوند دارد و از سوی دیگر به دلیل ذکر پاره‌ای از عناصر غیرطبیعی و باورناپذیر با مکتب سوررنالیسم وجه اشتراک پیدا می‌کند.

دغدغه‌های انسان در هر مرحله از رشد مکتب‌ها و جریان‌های ادبی، همواره عامل مهمی در شکل‌دهی فرم آثار بوده است. انسان در جهان مدرن همواره در تفسیر علت رخداد حوادث و در پی منطقی‌ورای منطقی روزمره و طبیعی بوده است. رنالیسم جادویی در واقع پاسخی به این پرسش‌ها و دغدغه‌های انسانی بوده و شکل مناسبی برای آمیختگی خیال با واقعیت ارائه کرده است. بنابراین «رنالیسم جادویی تلاشی بود برای بیان جهان به صورتی نامعقول با این تصور که پیش‌فرض‌های جامعه بورژوازی غرب را می‌توان کنار نهاد و با نگاهی تازه به جهان نگاه کرد.» (اچه وریا، ۱۳۹۲: ۳۷)

با بررسی نمونه‌هایی از آثار نگاشته‌شده در این شیوه داستان‌نویسی می‌توان گفت آمیختگی واقعیت با تخیل، تقابل و دوگانگی، اسطوره، باورهای خرافی و بومی، نماد و رمزپردازی، اعتقاد به سحر و جادو، وقایع و حوادث عجیب و غریب و توجیه‌ناپذیر، وجود جن و شبح، ترس و وهم، غافلگیری، ابهام و رازگونگی از مهم‌ترین شاخصه‌های محتوایی، و توصیفات سوررنالیستی و اکسپرسیونیستی، توصیف دقیق جزئیات، زاویه‌ی دید جابه‌جا شونده و جریان سیال ذهن از مهمترین شاخصه‌های ساختاری رنالیسم جادویی به شمار می‌رود. (ناظریان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۷)



امروزه رئالیسم جادویی یکی از ژانرهای محبوب در بین مخاطبان ادبیات داستانی است و نویسندگان بسیاری نیز با تلفیق واقعیت و جادو که در آن کفه‌ی واقعیت سنگین‌تر از کفه‌ی جادوست، آثار پرکشش و جذابی را خلق کرده‌اند؛ البته آثاری که به این روش در سراسر جهان به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند بر اساس اصول مشترک بنا نشده‌اند، بلکه هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارا هستند و مطابق با اصول نویسنده‌ی خود نوشته شده‌اند؛ وجه مشترک بین این آثار آمیختگی واقعیت و خیال و استفاده از عناصر ماورایی و جادویی است که اصلی‌ترین ویژگی این سبک و وجه تمایز آن با انواع دیگر آثار رئالیسم است.

نمونه‌ی شاهکار رئالیسم جادویی در جهان، رمان «صد سال تنهایی» اثر «گابریل گارسیا مارکز» است. این رمان در سال ۱۹۸۲ به دریافت جایزه نوبل ادبیات نائل شد.

در ادبیات معاصر ایران آثار بسیاری به سبک رئالیسم جادویی نوشته شده و محققان و منتقدان نقد و تحلیل‌های گوناگونی بر این آثار نوشته‌اند. این تحقیقات به ویژه در سطح مقایسه‌ی آثار با یکدیگر صورت گرفته است. پژوهشگران بسیاری مؤلفه‌های این سبک را از آثار داستانی استخراج کرده و یا اثری را با اثری دیگر مقایسه کرده‌اند. نگارنده این پژوهش نیز ضمن استخراج مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان «سال بلوا» نگاهی نیز به رمان‌های «اهل غرق» از منیرو روانی‌پور و «طوبی و معنای شب» از شهرنوش پارس‌پور (به عنوان دو رمان شاخص این سبک)، داشته و از نظر چگونگی استفاده‌ی نویسندگان از مؤلفه‌های سبک رئالیسم جادویی، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی نیز در آنها مشاهده کرده است. رضا قاسم‌زاده کارکردهای اسطوره و نماد را در آثار داستانی منیرو روانی‌پور بررسی کرده و طیبیه سیفی نیز تحقیقی درباره‌ی چگونگی بازتاب مؤلفه‌های سبک رئالیسم جادویی در این رمان انجام داده و آن را با یک اثر دیگر مقایسه کرده است. (قاسم‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۸؛ سیفی، ۱۴۰۱: ۱۲۱)؛ طبق نظر قاسم‌زاده کارکرد اسطوره و نماد در رمان «اهل غرق» بسیار پررنگ است. سیفی نیز معتقد است شهرنوش پارس‌پور با استفاده از شیوه‌ی روایی رئالیسم جادویی در رمان خود به نقد استبداد، خفقان اجتماع، وضعیت زنان و ضایع شدن حقوق آنان پرداخته و چون راه حلی برای این مشکلات نیافته، به وهم و خیال و آمیختن آن با واقعیت پناه آورده است. وجه تمایز این تحقیق‌ها با تحقیق نگارنده در این است که نگارنده مؤلفه‌های بیشتری را از رمان «سال بلوا» استخراج کرده است. از سویی دیگر چون شاخصه‌های رئالیسم جادویی در این رمان نسبت به رمان‌های شاخص این سبک کمرنگ‌ترند، به مقایسه و تطبیق آن با آثار دیگر پرداخته است.

رمان **سال بلوا** یکی از رمان‌های عباس معروفی است که به گفته‌ی خودش نوشتن آن سه سال و اندی طول کشید. معمولاً بعد از «سمفونی مردگان»، عباس معروفی را به خاطر کتاب سال بلوا می‌شناسند. این رمان نخستین بار در سال ۱۹۹۲ منتشر شد. رمان سال بلوا، اثری جذاب و خردمندانه است که



موضوعاتی چون عشق ممنوعه، قدرت‌طلبی و محدودیت‌های تحمیل‌شده بر زنان را به زیباترین شکل به تصویر می‌کشد. داستان این رمان ارزشمند در قالب خاطراتی در ذهن شخصیت اصلی، یعنی نوشافرین، روایت می‌شود. نوشافرین یا نوشا، دختر مردی پرنفوذ به نام سرهنگ نیلوفری است که به منظور پیشرفت در کار خود، به شهری کوچک به نام سنگسر در حوالی استان سمنان می‌رود. سرهنگ معتقد است دخترش آن قدر شایسته است که می‌تواند ملکه‌ی ایران شود و عزم خود را جزم کرده که بهترین زندگی را برای نوشا بیافریند، اما شرایط به این سادگی‌ها که او فکر می‌کند، پیش نمی‌رود. نوشا در گرداب عشق کوزه‌گری اسرارآمیز می‌افتد و حاضر است برای معشوق خود دست به هر کاری بزند، اما دست سرنوشت، برای نوشا هم خواب‌های دیگری دیده است. او اجازه ندارد درباره‌ی آینده خود تصمیم بگیرد و زندگی آینده او به بدترین شکل ممکن پیش می‌رود. این رمان در حقیقت داستان زنی است که قربانی فرهنگ مردسالاری می‌شود.

۳- تحلیل داده‌ها

در ذیل و در دو بخش مجزا به استخراج برخی از مهمترین مؤلفه‌های محتوایی و ساختاری این سبک در رمان «سال بلوا» می‌پردازیم:

۳-۱- مؤلفه‌های محتوایی:

مهمترین مؤلفه‌های محتوایی سبک رئالیسم جادویی شامل مواردی چون: آمیختگی واقعیت با تخیل، دوگانگی و تقابل، اسطوره، نماد، سحر و جادو، ترس و وهم، حوادث شگفت‌انگیز، خرافه و باورهای بومی، نیروهای فوق‌بشری و ابهام می‌شود.

۳-۱-۱- آمیختگی واقعیت با تخیل:

چنانکه گفته شد آمیختگی واقعیت با تخیل یکی از اصلی‌ترین مشخصه‌های سبک رئالیسم جادویی است. شخصیت‌های این سبک داستانی در هر دو جهان واقعی و غیر واقعی زندگی می‌کنند، اما خواننده، زمان انتقال شخصیت‌ها از جهان واقعی به جهان غیر واقعی دچار بهت و حیرت و هیجان نمی‌شود. در این سبک، نویسنده می‌کوشد حوادث عجیب و غریب و غیرمنتظره را طوری برای خواننده‌ی واقعی جلوه دهد که او دچار بهت و تردید نشود. در رمان سال بلوا این ویژگی آن گونه که در رمان‌های شاخص این سبک دیده می‌شود، بارز نیست. شیوه‌ای که معروفی در طول داستان از آن استفاده می‌کند، تلفیق داستان رمان با افسانه دختر پادشاه و زرگر است که تأثیر بسزایی در جذاب کردن داستان داشته است. معروفی با آمیختن افسانه معروف زرگر و دختر پادشاه گاهی خواننده را دچار بهت و حیرت می‌کند. او با بیان این حکایت گاه مخاطب را به کلی از داستان اصلی دور کرده و دنیای متفاوتی برای او ترسیم می‌کند، اما با این همه، مرز بین واقعیت و خیال تا حدودی برای خواننده مشخص و روشن است و لذا نمی‌توان این

ویژگی را در تطابق کامل با مؤلفه‌ی تلفیق واقعیت و خیال دانست و نگارنده با کمی اغماض و تساهل از این نمونه به عنوان شاهد مثال این مؤلفه یاد می‌کند.

این افسانه از همان صفحات ابتدایی رمان آغاز می‌شود و با فاصله تا پایان ادامه پیدا می‌کند. - «باید برمی‌گشتم. به افسانه‌ای برمی‌گشتم که دختر پادشاه عاشق مرد زرگر شده بود، اما پسر وزیر او را می‌خواست و در تب عشق دختر می‌سوخت و دختر در غم عشق مرد زرگر می‌مرد.» (معروفی، ۱۳۸۲: ۱۱)

- مادر گفت: «از وقتی دختر پادشاه عاشق مرد زرگر شد، نه خواب داشت نه خوراک.» (همان: ۱۴)
۳-۲-۱- دوگانگی و تقابل:

وجود همزمان عناصر متضاد در بستر داستان از مهم‌ترین ویژگی‌های رئالیسم جادویی و داستان‌هایی است که به این سبک نوشته می‌شوند. تقابل محیط شهری با روستایی، تقابل سنت و مدرنیته، تقابل واقعیت با خیال، تقابل فقر و ثروت، از جمله دوگانگی‌هایی است که در این داستان‌ها به وضوح قابل مشاهده است. نویسندگان آنی که به شیوه‌ی رئالیسم جادویی می‌نویسند: «صحنه‌های ناهمگون را در قالب تقابل صحنه‌هایی مانند روستایی و شهری، غربی و بومی، واقعی و خیالی و مافوق طبیعی به طور درهم تنیده و پیوند خورده در آثارشان می‌گنجانند.» (نیکوبخت و رامین نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۳)

این شاخصه به صورت بارزی در رمان سال بلوا نمود دارد. تقابل میان سنت و مدرنیته در بسیاری از فضاهای شهر و خانه‌ها دیده می‌شود. هر چند که شهر سنگسر (مکان وقوع حوادث داستان) در راستای مدرن شدن به کندی گام برمی‌دارد، ولی نشانه‌های زندگی مدرن نیز در آن دیده می‌شود. اطوی ذغالی، آبگرم‌کن، صندلی لهستانی، رادیو، کراوات، استیشن آلمانی و مواردی از این دست چیزهایی هستند که در شهر سنگسر و بافت سنتی خانواده سرهنگ نیلوفری دیده می‌شود. مدرسه و حضور دختران در آن را نیز می‌توان از نشانه‌ی جامعه‌ی مدرن به حساب آورد که زمینه‌ی تحوّل و حضور زنان در اجتماع را فراهم می‌کند. در رمان سال بلوا این عناصر مدرن در تقابل با عناصری چون اسپند دود کردن، صلوات فرستادن، قرمه سبزی درست کردن، لگن تاجدار مسی و... قرار می‌گیرند که نشانه‌هایی از بافت سنتی است.

- «گلدان‌ها، لامپ‌های پایه‌بلند، تنگ‌های گردن‌هما، میز بزرگ وسط با رومیزی قلاب‌دوزی و بیست و چهار صندلی مرتب. سرهنگ نیلوفری یک دست جلو سینه و یک دست در امتداد بدن، جلو در می‌ایستاد و به مهمان‌ها خوش آمد می‌گفت.» (معروفی؛ همان: ۲۹۹)

- «به خانه که برگشتیم، همان شبانه مادر اسپند دود کرد و هی صلوات فرستاد، گفت: «چشم و نظر آهن را کج می‌کند، چه رسد به آدم.» (همان: ۱۵۵)

«آن زنی که می‌آمد به ما فرانسه یاد می‌داد، بن ژور مادام، یا زنی که پشت پیانو بغلم می‌کرد و می‌گفت بزن.» (همان: ۱۴۴)

تقابل بین فقر و ثروت نیز در شرایط زندگی شخصیت‌های داستان دیده می‌شود. به عنوان نمونه نوشا در خانه‌باغی وسیع با امکانات ویژه زندگی می‌کند و چون تک‌فرزند سرهنگ نیلوفری است، در رفاه کامل به سر می‌برد، در حالی که در همسایگی آنها رقیه دلال آنقدر فقیر است که برای مایحتاج زندگی، دخترش نازو را به تن فروشی مجبور می‌کند.

«رقیه دلال و دخترش نازو، با سه مرد دیگر، روی فرش نشسته بودند... رقیه دلال سکوت را شکست. چیزی گفت که نازو گریه کرد... نازو گفت جای پدر بزرگ من است.» (همان: ۱۵۲)

در وصف خانه‌باغ سرهنگ نیلوفری، پدر نوشا می‌خوانیم:

«می‌بینید یک قسمت از کوه هم مال شماست، دیگر چی می‌خواهید؟ بخشی از جبال البرز، با سه هزار سال سابقه تاریخی مال شماست.» (همان: ۴۴)

۳-۲-۲- اسطوره:

از دیگر مؤلفه‌های رئالیسم جادویی، حضور پررنگ اسطوره‌های بومی و ملی است. جایگاه اسطوره در این رویکرد داستان‌نویسی چنان است که یکی از پژوهشگران حوزه‌ی ادبیات داستانی، رئالیسم جادویی را متشکل از سه عنصر و مؤلفه وهم و خیال، عناصر ماوراء الطبیعه و اسطوره می‌داند. (ابواحمد، ۲۰۰۹، ۲۴)

رئالیسم جادویی با اسطوره‌ها و آداب و رسوم سنتی پیوندی عمیق دارد. اسطوره‌ها را می‌توان نوع دیگری از ادبیات دانست که فقط بیانگر سمبل‌ها و نمادهای کهن نیستند، نمادهای جدید هم می‌توانند اسطوره باشند و هر اسطوره متعلق به دوره‌ی زمانی خود باشد. «در هر زمان اسطوره با نمودی دگرگونه خود را می‌نمایاند و هر چه پیش می‌رویم می‌بینیم که اسطوره از متن کهن و مقدس خود به سوی ژانری نو و کاملاً منطبق با شخصیت‌های زمانه ما پیش می‌رود.» (موسوی نیا، ۱۳۸۵: ۶۲)

«رویکرد اسطوره از دو جهت قابل توجه است: نخست از منظر زیبایی‌شناسانه و ساختاری، و دوم بازنمایی گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه.» (قاسم‌زاده و بیگدلی، ۱۳۹۷: ۲۰)؛ این ویژگی‌های اسطوره و شباهت دنیای اسطوره و رئالیسم جادویی، نویسندگان رئالیسم جادویی را بر آن داشته که از اسطوره‌ها در آثار خود سود جویند. نویسندگان ایرانی نیز همواره در به‌کارگیری از اسطوره مصر بوده و به آن توجه داشته‌اند. معروفی نیز در سال بلوا از اسطوره‌های تاریخی ایران استفاده می‌کند و از این طریق بخشی از تاریخ و شرایط سیاسی و اجتماعی ایران را در دوره‌ی رضاشاه روایت می‌کند. اساساً آمیختگی اسطوره با دنیای امروز، شگرد عباس معروفی است.

معروفی در سال بلوا، مصائب مردم و وقایع اواخر حکومت رضاشاه را با توسل به اسطوره روایت می‌کند. در اسطوره‌ها آمده است که هر قومی به یک بلاگردان نیاز دارد که جان خود را فدا کند؛ مشهورترین بلاگردان عیسی مسیح است که به صلیب کشیده می‌شود. در اسطوره‌های ایرانی سیاوش این نقش را ایفا می‌کند. در رمان سال بلوا وقتی سیاوشان که پاک و معصوم است کشته و قربانی می‌شود. مردم به جوش می‌آیند. او بلاگردان شهر می‌شود. حسینا هم به نوعی بلاگردان است. حسینا در سنگسر غریب است و به آنجا آمده تا برادرانش را پیدا کند: سیاوشان و اسماعیل. سیاوشان در پایان داستان، شهید می‌شود. او یادآور سیاوش در تاریخ ایران است. در این رمان اسطوره سیاوش دوباره خلق می‌شود. جایی از رمان از زبان نوشا می‌خوانیم:

«اگر او اثری نبود و از افسانه‌ها در نمی‌آمد، آن همه دانایی و هوش را از کجا آورده بود.» (معروفی،

همان: ۱۷)

۳-۲-۳- نماد:

نماد و نمادپردازی نیز از دیگر خصایص مهم سبک رئالیسم جادویی به شمار می‌رود. سبک رئالیسم جادویی در بردارنده رموز و نمادهای بسیار است. «فلسفه به کارگیری نماد در این سبک داستان‌نویسی را می‌توان بیان رمزگونه‌ی اندیشه‌ها و انتقاد غیرمستقیم از فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه نویسنده دانست.» (ناظمیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۴)؛ نویسندگان این سبک سخنان خود را در لفافه‌ای از نماد و سمبل که دارای مفاهیم قراردادی هستند بر خوانندگان خود عرضه می‌کنند تا خوانندگان با کشف این نمادها از خواندن اثر بیشتر لذت برند. در این سبک از نام مکان‌ها، نام شخصیت‌ها، اعمال، اشیا، مظاهر طبیعت و غیره به عنوان نماد استفاده می‌شود. معروفی در رمان سال بلوا از نمادهای بسیاری استفاده کرده است. این نمادها چنان با منظور و هدفدار استفاده شده‌اند که می‌توان اذعان کرد که رمان به مثابه یک داستان کوتاه سمبلیک درآمده است. در این رمان گاهی با زبانی رمزگونه و نمادین مواجه هستیم که اگر آنها را رمزگشایی کنیم به اسطوره‌ها می‌رسیم.

«بهره جستن از مضمون‌ها و مفاهیم ملی و مذهبی برای تشریح دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده، عینیت بالایی دارد. مبارزات نمادین حسینا، موضع‌گیری ایدئولوژیک نویسنده را در نسبتی که با افسانه مرد زرگر به عنوان یک قهرمان اسطوره‌ای ایرانی و امام حسین (ع) به عنوان یک قهرمان مذهبی اسلامی دارد، نشان می‌دهد و در پوشش اندیشه‌های ایرانشهری و ناسیونالیسم ایرانی بازنمایی می‌شود.» (تیموری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۹)

از واژه‌های پربسامد سال بلوا که به عنوان نماد بکار رفته‌اند می‌توان به واژه‌هایی چون شب، مو، دار، خاک و مردم اشاره کرد.

معروف‌ترین نماد در این رمان **دار** است. این نماد در همان صفحه‌ی ابتدایی داستان رخ می‌نماید. توصیف «دار» در این داستان بیش از هر چیز، جامعه خفقان آور و ناامن را برای خواننده تداعی می‌کند. «دار سایه درازی داشت، وحشتناک و عجیب. روزها که خورشید برمی‌آمد سایه‌اش از جلو همه مغازه‌ها و خانه‌های خیابان خسروی می‌گذشت.» (معروفی، همان: ۹)

واژه‌ی «دار» در تمام طول داستان، سایه افکننده است. معروفی با این نماد می‌خواهد داری به درازای کل تاریخ ایران در داستانش ظاهر کند که تمام قهرمانان و حلاج‌ها به آن آویخته شده‌اند. «دار» به قصد ترس و وحشت در شهر دایر می‌شود، اما در حقیقت نمادی از ظلم و استبداد حکومت است.

عنصر تکرارشونده‌ی دیگری که در رمان به عنوان نماد به کار می‌رود، **خاک** است. «خاک» در بسیاری از قسمت‌های داستان نقش نمادین دارد و یادآور میهن است. «خاک» در سال بلوا بازنمایی یک امر مقدس است و با مفاهیمی چون عشق، دلدادگی و پاکبازی ارتباط معنایی دارد. حسینا کوزه‌گر است و با خاک کار می‌کند و نوشا این بو را دوست دارد. ارتباط میان خاک و بو در بسیاری از گفته‌هایی که از آن استفاده شده است، می‌تواند نشان‌دهنده‌ی ارزش‌های فرامادی به عنوان یک توجیه ایدئولوژیکی برای مبارزه و مقاومت، جهت رسیدن به یک هدف والا باشد.

«بوی خاک می‌داد، بوی خاک همه تاریخ، بوی شمعدانی‌های پدر، و آن عزیزترین چیزی بود که در زندگی‌ام داشتم.» (همان: ۱۳)

«لب‌هاش بوی خاک می‌داد، موهاش بوی خاک می‌داد، و تنش بوی خاک می‌داد. انگار خاک بود و در آن تاریکی احساس می‌کردم مرده‌ام و خاک مطبوع همه اندامم را پوشانده است... تسلیم آن خاکی شدم که انگار از وجود خودم بود، بارها در آن مرده بودم.» (همان: ۱۹۸)

نماد دیگر رمان، **مو** است. مو در ادبیات فارسی نماد باروری است. مفهوم اسطوره‌ای درباره‌ی مو نیز می‌گوید که قربانی کردن مو به معنای یاری رساندن به خدای باروری است، اما در این اثر، معروفی از تناقض آن استفاده کرده و خواننده، اثری از باروری و فراوانی در این شهر نفرین شده نمی‌بیند. موهای نوشا تا زمانی باز است که با کوزه‌گر رابطه دارد اما وقتی با دکتر معصوم (مرد نابارور) ازدواج می‌کند موهایش را می‌بندد.

معروفی موهای دو شخصیت حسینا و معصوم را برای خواننده از زبان نوشا توصیف می‌کند. نوشا از همان دیدار اول با هر دو شخصیت، تحت تأثیر موهای آن‌ها قرار می‌گیرد و توصیف مفصلی از موهای آن‌ها ارائه می‌کند.

«آن روز باد می‌آمد و موهای او را پریشان می‌کرد، موهای سیاه و صافی که به نظر می‌آمد جلوی چشم‌هاش را گرفته است.» (همان: ۱۶)

«مردی بود هیکلمند، سیلو، با موهای مجعد بلند درهم که به نظر می‌آمد سالهاست شانه نشده‌اند. کروات سرهای زده بود که با آن موهای آشفته خیلی منظم جلوه می‌کرد.» (همان: ۱۵۷)

«مثل همیشه موهایش را شانه نکرده بود، به نظر می‌آمد که یک مشت خزه‌ی برآق روی کله‌اش چسبانده‌اند.» (همان: ۱۶۱)

حسینا نیز یادآور نام امام حسین (ع) است. در جایی از داستان هم نوشا با شنیدن نام امام حسین (ع) در عزاداری محرم یاد حسینا می‌افتد و نام حسینا را تکرار می‌کند. (معروفی: ۱۷۰)

نماد دیگر این رمان **شب** است که به صورت ضمنی با ترس، انفعال توده‌ها، تجاوز، پریشانی، قتل، غارت و خفقان همراه است.

شهر سنگسر هم در داستان نماد کل ایران است و هر اتفاقی که در آن رخ می‌دهد گویا در کل ایران رخ داده است.

۳-۳-۳- سحر و جادو:

از اصلی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی داستان‌های رئالیسم جادویی به کارگیری عنصر سحر و جادوست. حضور غیرمستقیم پریان و اجنه و تصرفات آنان در عالم واقع، از مصادیق سحر و جادو در این داستان‌هاست. معروفی از این عنصر به طور مستقیم و در دل داستان اصلی استفاده نکرده، ولی گاهی در توصیف وقایع، یا در بین حکایت‌ها و افسانه‌هایی که از زبان شخصیت‌های داستان بیان می‌شود، شاهد حضور اجنه و اعمال آنها هستیم.

«همه چیز وهم‌آلود شده بود، دیوارها جادویی بودند، قلعه سنگباران امیرارسلان و آن آدمی که نشسته بود، با نگاه همه تفنگ‌ها را از کار می‌انداخت... اما آنها تکان نمی‌خوردند، سنگ شده بودند.» (همان: ۳۱۳)

در ضمن یک حکایت می‌خوانیم:

«حتماً اجنه تصرفش کرده‌اند. بروید کنار من مداوایش می‌کنم. جنش را می‌گیرم... گفت یک دسته لوطی خبر کنید، سربینه بنشینند و بکوبند تا من جنش را بگیرم.» (همان: ۲۴۰)

«جاهای دیگر فقط اسمشان دهن پرکن است، اما این جا نقطه‌ی مهمی در دنیا است، گنج‌ها زیر این سرزمین خوابیده. ملکوم می‌گوید: کوه پیغمبران شما یک کوه معمولی نیست، جادویی است.» (همان: ۳۴)

در ضمن حکایت دیگری می‌خوانیم:

«آره پسر سوم راهی شد تا به آن شهر عجیب و غریب رسید. دم غروب بود که عجزه‌ای سر راهش سبز شد.» (همان: ۱۲۲)



«معصوم بین زمین و آسمان، بین کفر و ایمان، جایی معلّق بود که نمی‌دانست تکلیفش با خودش چیست، و نمی‌دانست اولین روز ورود آن مرد کی بوده، انگار صدها سال پیش از مردم به آن جا آمده، بالای ابرها، یا زیر خاک، و یا شاید در وسط یک تخم مرغ جادویی زندگی کرده و هیچ عمری بر او نگذشته است، از آغاز چهل و چهار ساله بوده و تا ابد چهل و چهار ساله خواهد ماند.» (همان: ۸۰)

۳-۴-۳- ترس و وهم:

مؤلفه‌های ترس، وهم و خیال نیز از ویژگی‌های شاخص سبک رئالیسم جادویی است. این مؤلفه‌ها در رمان سال بلوا حضوری پررنگ و چشمگیر دارد. نویسنده در همان سطور اولیه داستان با تصویرسازی روشنی، طرح تقاضا برای برپا کردن دار را نشان می‌دهد که در همان ابتدا فضای هولناکی را برای خواننده ایجاد می‌کند.

«دار سایه درازی داشت، وحشتناک و عجیب. روزها که خورشید برمی‌آمد، سایه‌اش از جلو همه مغازه‌ها و خانه‌های خیابان خسروی می‌گذشت... شب‌ها شکل جانوری می‌شد که صورتش را روی ستون یادبود گذاشته و دست‌هاش را از دو طرف حمایت کرده است. شکل یک جانور خیس که آویخته‌اند تا خشک شود و قطره قطره آبچکان تا صبح به گوش می‌رسید.» (همان: ۹)

«قرار بود که دار را درست وسط فلکه سنگسر برپا کنند، داری بسیار بلند با طناب‌های کاری، و ابهتی که حتی بر استخوان‌های مردگان لرزه بیندازد.» (همان: ۸۵)

«سروان خسروی گفته بود: اگر شبیه خوان‌ها برای شما تعریف نکرده‌اند که شمر توی صحرای کربلا چه کرد، با دیدن دار می‌فهمید.» (همان: ۸۵)

به طور کلی آشنایی‌زدایی که در آن واقع‌انگاری با نوعی وهم‌آلودگی به هم می‌آمیزند و غالباً اوهام غلبه می‌نماید، در رمان به صورت‌های مختلف جلوه‌گر شده است. صدا، بو و رنگ نیز از ابزارهایی هستند که نویسنده در پررنگ کردن فضای وهم‌آلود و ترسناک به کار برده است.

«ملکوم گفته بود جهان کوهی است وهم‌آلود که به هر صدایی پاسخ می‌دهد.» (همان: ۳۳)

«بوی باروت مثل مه همه جا پیچید.» (همان: ۹۸)

«جاوید گفت: این صدای تیر مال کجا بود؟ مادر گفت تو هم شنیدی؟ جاوید گفت: این سرما

عادی نیست، یک جور عجیبی است. آدم و همش می‌گیرد.» (همان: ۴۸)

«صدای زوزه‌ی گرگ‌ها و شغال‌ها از دور به گوش می‌رسید.» (همان: ۴۸)

«بوی عفن شهر را برداشته بود، جنگ فرسایشی ادامه داشت و کارگران پل‌سازی ملکوم بی‌توجه به

جنگ از کله‌ی سحر تا دم غروب در صخره‌های کوه پیغمبران پتک می‌زدند.» (همان: ۳۳)

۳-۵-۳- حوادث شگفت‌انگیز:

از دیگر ویژگی‌های سبک رئالیسم جادویی، وجود حوادث شگفت‌انگیز و توجیه‌ناپذیر است. معروفی از این ویژگی نیز، هم در خلال حکایت‌ها و هم در ضمن داستان خود بهره گرفته است. «جنگ سختی در گرفت، سرتاسر آن سال جنگ بود. آن همه آدم می‌مردند، اما دختر پادشاه نمی‌مرد. شاه گفت اگر زنده است چرا بیدار نمی‌شود، اگر مرده است چرا نفس می‌کشد؟ بروید جگر مرد زرگر را بیاورید.» (همان: ۲۷۶)

«... عده‌ای می‌ریخته‌اند توی شهر، بچه‌ها را از بغل مادرشان می‌گرفته‌اند و پرت می‌کرده‌اند، بعد با شمشیر روی هوا نصفشان می‌کرده‌اند، آن وقت قهقهه می‌زده‌اند.» (همان: ۲۶۹)

«آن سال، پسری هجده ساله در ییلاق سر پدرش را برید و قدرت را قبضه کرد. بچه‌هایی متولد شدند که در صورتشان فقط یک چشم داشتند، آن هم درست وسط پیشانی. زنی بچه دو سر زایید و خودش سر زارفت. زنی بچه‌ای زایید که چهار دست و چهار پا داشت، به اختاپوس شبیه‌تر بود تا انسان. پدری دختر ده ساله‌اش را حامله کرد... مردم آن سال به اندازه ده سال بچه‌دار شدند.» (همان: ۲۲۷)

«صبح برفی بر زمین نشسته بود که کسی به یاد نداشت چنان برفی در زمستان باریده باشد. کمر بیشتر درخت‌ها شکسته بود و هیچ اثری از برگ‌های سبز نبود، از دود کش‌ها دود غلیظی بیرون می‌ریخت و با مه می‌آمیخت، بعد صدای اذان بی‌وقت ملا جواد پیچید... مادر گفت انگار خواب می‌بینم، برف در تابستان.» (همان: ۴۹)

«غروب برف‌ها یخ زد، رفت و آمد قطع شد، شهر در ماتم فرو رفت... جاوید گفت آب غسل‌خانه یخ زده، آتش کرده‌اند، دیگ آورده‌اند، آب گرم می‌کنند و مرده‌ها را می‌شورند.» (همان: ۵۰)

«جاوید گفت: این ساعت‌ساز سر کوجه می‌گوید یک مرد جوان مجسمه شده.» (همان: ۴۹)

۳-۶-۳- خرافه و باورهای بومی:

چنانکه گفتیم تکیه‌ی اصلی رئالیسم جادویی بر تخیل است؛ خرافه و باورهای بومی و محلی، قلمرو مناسبی برای پروراندن این تخیل به شمار می‌رود. در رمان سال بلوا، خرافه و اعتقاد به باورهای محلی بازتاب زیادی دارد و نویسنده در جای‌جای داستان خود از آنها بهره گرفته است.

«... ستاره‌ها در صورت هر کس علامتی می‌گذارند که از روی آن علامت به طور یقین می‌توان به صفات و اخلاق شخص پی برد. مثلاً کسی که صورت چهار گوش دارد، معمولاً دوستان را از اطراف خویش پراکنده می‌کند، مثل ناژداکی شهردار و یا صورت سه گوش علامت شخص فکور و بذله‌گو است مثل تو...» (همان: ۲۶۰)

در ضمن حکایت زرگر و پسر وزیر می‌خوانیم:

«سنگ سیاه روی سنگ سفید بغلتانید، بینش قطره‌قطره آب عبور دهید، کف می‌کند و حباب می‌شود، آن کف و حباب را به تن او بمالید.» (همان: ۲۷۶)

«زنش گفته شوهرم شب‌گزر شده، راه افتاده تو کوچه‌ها دنبال گه سگ می‌گشته بلکه مداواش کند. ای خاک بر سر ملتی که گه سگ دواشان باشد.» (همان: ۱۶۹)

«... بعد پاش را روی پای من گذاشت. من خندیدم و بعدها فهمیدم که هر کس زودتر این کار را بکند زبانش بر دیگری دراز می‌شود، رسم است.» (همان: ۱۶۸)

«برف درشتی می‌بارید، خروس‌ها هم بی‌موقع شروع کرده بودند... خواندن خروس در نیمه شب معنای خوبی نداشت.» (همان: ۱۳)

۳-۷-۳- نیروهای فوق بشری:

یکی از عناصری که به تخیلی شدن داستان‌های سبک رئالیسم جادویی کمک می‌کند، استفاده از نیروهای ماورا الطبیعه و فوق بشری است. این عنصر در رمان سال بلوا بسامد بالایی ندارد، فقط در جایی از داستان در توصیف سیاوشان می‌خوانیم:

«سیاوشان انگار که نیروی فوق بشری داشته باشد، یکباره بلند شد، نعره‌زنان دایره‌وار شروع کرد به دویدن. سیف‌الله خان موزرش را به طرفش گرفت و یک تیر شلیک کرد. افتاد. دقایقی ماند و بعد دوباره بلند شد.» (همان: ۳۱۳)

۳-۸-۳- ابهام:

«عمدتاً ناشی از تلاش نویسنده برای نزدیکی ذهن و زبان است؛ نزدیک کردن زبان به ساز و کارهای پیشاکلامی ذهن.» (بیات، ۱۳۸۷: ۱۹۸) رمان سال بلوا مملو از ماجرا و دارای شخصیت‌های متعدد است که نویسنده، گاه مفصل و گاه مختصر به آنها پرداخته است. در بیشتر مواقع تکلیف این شخصیت‌ها روشن است و ابهامی درباره‌ی سرنوشت آنها وجود ندارد، اما شک و تردید، عدم اطمینان در نحوه‌ی بیان راوی، و عدم به‌کار بردن نشانه‌های درست نگارشی بجا و مناسب، آشفتگی، ابهام و گنگ بودن در بعضی از قسمت‌های داستان خودنمایی می‌کند. در رمان سال بلوا از این نوع ابهام‌ها و آشفتگی‌ها زیاد دیده می‌شود. (پارسی‌فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۰)

ابهام در زمان و مکان که یکی از ویژگی‌های رمان نو محسوب می‌شود، از جمله ابهام‌هایی است که در رمان دیده می‌شود. موارد انگشت‌شماری هم در این رمان دیده می‌شود که مطلبی کامل بیان نشود، درباره‌ی برخی از شخصیت‌ها هم توضیحی داده نشده و در حد یک یا دو جمله به آنها پرداخته شده است. برای مثال عاقبت کار اسماعیل، برادر حسینا و عاقبت مادر نوش آفرین مشخص نمی‌شود، درباره‌ی

جاوید هم که راوی بارها او را توصیف می‌کند، توضیحی نیامده است. مواردی از این دست باعث ایجاد ابهام در داستان می‌شود.

«کاش پرس و جو می‌کردید یا سری به مرکز می‌زدید. شاید هم نامه‌ای فرستاده شده و در راه ...»
(همان: ۵۶)

۳-۹-۳- مؤلفه‌های ساختاری:

مهم‌ترین مؤلفه‌های ساختاری سبک رئالیسم جادویی شامل مواردی چون: توصیفات سوررئالیستی و اکسپرسیونیستی، توصیف دقیق جزئیات، جریان سیال ذهن، و زاویه دید متغیر و جابه‌جاشونده است.
۳-۱۰-۳- توصیفات سوررئالیستی:

توصیفات سوررئالیستی، خلق تصاویر و پدیده‌های ناهمگون است که نه از طریق منطق و تفکر، بلکه با ضمیر ناخودآگاه قابل کشف و دریافت است. در رمان سال بلوا نمونه‌هایی از این توصیفات را مشاهده می‌کنیم.

«چیزی در سینه‌ام ترکید و کوه جواب داد. کاروان‌ها ایستادند، گردسوزها خاموش شدند و بعد دنیا ایستاد. بوی ازلی مایعی ناشناس در رگ‌هام جاری بود... هیچ ذره‌ای نبود، هیچ روزنه‌ای نبود و هیچ وزنی معنا نداشت. گفتم آب، و ساعت لنگریمان گفت دنگ دنگ دنگ.» (همان: ۳۳۳-۳۳۴)

نویسنده گاهی در بیان برخی توصیفات، منحصر به فرد عمل کرده و به طور مثال میزان گرمای هوا را با بوی میوه‌ی پخته‌ای که از درختان در فضا پیچیده، ترسیم می‌کند.

«از درخت‌ها بوی میوه پخته می‌آمد، حتی از بید.» (همان: ۲۲)

«وهم، وهم، وهم تلخی که زبان سنگین می‌شود، و دهان مزه پول خرد چرک‌مالی می‌دهد.» (همان:

۱۵)

«صدای خنده‌های خودم را از راه دوری می‌شنیدم.» (همان: ۵۷)

«چهره استخوانی و تیر کشیده داشت، انگار مه از زیر پوست او متصاعد می‌شود، و یا به نظر می‌آمد

مه به زیر پوستش خزیده است.» (همان: ۳۲)

۳-۱۱-۳- توصیف دقیق جزئیات:

توصیف دقیق جزئیات در اصل یکی از ابزارهای رئالیسم است که از آن جهت شرح رویدادهای واقعی بهره می‌گیرند، ولی از آنجا که نویسندگان داستان‌های رئالیسم جادویی در پی واقع‌نمایی امور جادویی هستند، هنگام توصیف امور فراواقعی از این ابزار رئالیسم استفاده می‌کنند تا در خواننده توهّم واقعیت را به وجود آورند. به عبارت دیگر توصیف جزئیات باعث می‌شود باورپذیری به خواننده القا شود. توصیف جزئیات از ویژگی‌های عمده‌ی رمان سال بلواست و معروفی به آن توجه ویژه‌ای دارد.

شاید بتوان گفت در تمام صفحات این رمان، توصیف وجود دارد. گاهی توجه به توصیف جزئیات شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیاء، و فضاها، فراواقعی، جادویی و توهم‌زاست و سبب می‌شود سرعت روایت داستان کند شود.

«حیاط چهارگوشی بود که دیوارهای سفید بسیار بلندی داشت و بعضی جاهاش گچ‌ها در نور چراغ، سرخ می‌زد. وسط حیاط، درخت انجیری با برگ‌های زرد و سبز، پیچ و تاب خوران، خود را در میان شمشادها و کرچک‌ها نشان می‌داد، اما انگار نگذاشته بودند قد بکشد، و نکشیده بود، یخ شده بود. یک چراغ زنبوری هم در ایوان فس فس می‌کرد.» (همان: ۱۵۲)

«مردی بود پوست به استخوان چسبیده، با چشم‌های گودافتاده و نگاهی نافذ که به نظر می‌آمد تمام مهارتش در دست‌ها و چشم‌هاش نهفته است، و مثلاً اگر آن ریش بزی را نداشته باشد کارش پیش نمی‌رود.» (همان: ۸۰)

«هر ساختمان هشت باب مغازه داشت، چهار تا این طرف، چهار تا آن طرف، و در وسط یک در چوبی دو لنگه بسیار بلند که بر پیشانی‌اش با کاشی آبی‌رنگ کتیبه‌ای نوشته شده بود و در چهار گوشه آن خورشید خانم خندان به همدیگر نگاه می‌کردند...» (همان: ۷۵)

۳-۱۲-۳- جریان سیال ذهن:

جریان سیال ذهن را برخی معادل گفتگوی درونی و تک‌گویی درونی گفته‌اند. «در داستان روایت شده بر اساس جریان سیال ذهن نویسنده، ذهن را نمی‌تواند یله و رها کند، به هر حال لایه‌های پیش‌ذهنی و زبانی که سراسر احساس و عاطفه هستند، برای بیان شدن در داستان باید به واژه تبدیل شوند و باز در دام زبان و کلام گرفتار آیند.» (بیات، ۱۳۸۷: ۲۱۱)؛ در شیوه‌ی جریان سیال ذهن شیوه‌های روایت از فرم سنتی خارج می‌شود. شخصیت‌ها در لایه‌های تاریک درون و دنیای درونی خویش قدم می‌زنند. زمان شکسته می‌شود و گذشته و آینده به نفع زمان حال در هم می‌ریزد. (پارسی فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰۵)

در رمان سال بلوا، تداعی‌های ذهن نوشا به سبک جریان سیال ذهن است. هر تداعی‌ای خواننده را با خود به گذشته می‌برد. مفهوم زمان در ذهن راوی بسیار مبهم بوده و میان گذشته و حال و آینده در رفت و آمد است.

«حسینا در ذهنم ساکت بود و من گریه می‌کردم. نمی‌دانم کجا پنهان شده بود، گمش کرده بودم.» (معروفی، همان: ۱۴۳)

«چرا بوی خاک می‌دادم؟ شاید اگر از چوب ساخته شده بودم حالا بوی کاج می‌دادم و شاید اگر شال به گردنم نبود هیچ بویی نمی‌دادم.» (همان: ۱۳)

«نمی‌خواستم بمیرم، اما آیا خودم به استقبال مرگ رفته بودم؟ لابد بوی خاک می‌دادم. گفتم شاید بوی خاک از سالها پیش در تنم یا لای موهام مانده است.» (همان: ۵۷)

۳-۱۳-۳- زاویه دید متغیّر و جابه‌جاشونده:

نویسندگان مدرن با تغییر زاویه دید و چندگانه کردن منظره‌ی روایی، خواننده را به سمتی سوق می‌دهند که بتواند از دل تکثر تحمیل شده، داستانی معنادار بیافریند. یکی از ویژگی‌های زاویه دید متغیّر این است که راوی یک موقعیت را از چند دیدگاه می‌تواند ببیند. این ویژگی به خوبی در رمان سال بلوا دیده می‌شود. داستان رمان سال بلوا هفت شب را شامل می‌شود که راوی در آن مرتب در حال تغییر است.

شب یکم، شب پنجم و شب هفتم، زاویه دید اول شخص (نوشا) است؛ شب چهارم و شب ششم زاویه دید سوم شخص است؛ شب دوم زاویه دید سوم شخص است، این سوم شخص گاهی به اول شخص (نوشا)، تبدیل شده و سپس دوباره به سوم شخص بازمی‌گردد؛ داستان زرگر در خلال متن به روایت مادر نوشا، حسینا و دانای کل روایت می‌شود. (معروفی، ۱۳۸۲)

۴- نتیجه‌گیری

تلفیق واقعیت با خیال، رکن اصلی در داستان‌هایی است که به سبک رئالیسم جادویی نوشته می‌شوند. نویسندگان برای ایجاد بهتر این تلفیق، از ابزارها و عناصری چون اسطوره، نماد، خرافه، باورهای بومی، حوادث شگفت‌انگیز و توجیه‌ناپذیر، سحر و جادو، وهم و ترس، ماوراءالطبیعه، ابهام، توصیفات سوررئالیستی، جریان سیال ذهن، و زاویه دید متغیّر، کمک می‌گیرند تا وقایع و حوادث غیر واقعی را برای خواننده، واقعی جلوه دهند. عباس معروفی از نویسندگانی است که از این شیوه‌ی داستان‌نویسی در خلق رمان‌هایش تأثیر پذیرفته و بهره گرفته است. در رمان سال بلوا نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری مشاهده می‌شود. نتایج جستجو نشان می‌دهد بسیاری از مؤلفه‌های یادشده در رمان سال بلوا وجود دارد. بسامد همه‌ی مؤلفه‌های سبک رئالیسم جادویی در رمان سال بلوا یکسان نیست. مؤلفه‌هایی چون نماد، اسطوره، حوادث شگفت‌انگیز، وهم، باورهای بومی و خرافه در این رمان بسامد بالایی دارند؛ در مقابل مؤلفه‌هایی چون آمیختگی تخیل با واقعیت، وجود نیروی‌های ماوراالطبیعه، و ابهام در رمان کمتر مشاهده می‌شوند. برخی از شاهد مثال‌های ذکر شده در تطابق کامل و صد در صد با شاخصه‌های مورد نظر نیستند، ولی در مجموع و البته با کمی اغماض می‌توان این رمان را در زمره‌ی رمان‌هایی دانست که به شیوه‌ی رئالیسم جادویی نوشته شده‌اند. مقایسه‌ها نشان می‌دهد شاخصه‌های رئالیسم جادویی در این رمان نسبت به رمان‌های شاخص این سبک چون رمان «اهل غرق» از منیرو روانی‌پور و «طوبی و معنای شب» از شهرنوش پارسا پور ضعیف‌تر و کمرنگ‌ترند.

منابع

- ابواحمد، حامد، (۲۰۰۹)، «**الواقعه السحرية في الرواية العربية**»، القاهرة: المجلس الاعلى للثقافة، الطبعة الاولى.
- اچه وریا، روبرتو گونسالس، (۱۳۸۵)، «**داستان‌های کوتاه آمریکای لاتین**»، ترجمه‌ی عبدالله کوثری، چاپ ششم، تهران: نی.
- بوورز، مگی، آن، (۱۳۹۳)، «**رناليسم جادویی**»، ترجمه‌ی مؤسسه خط ممتد اندیشه زیر نظر عباس ارض پیمان، تهران: نشانه.
- بیات، حسین، (۱۳۸۷)، «**داستان نویسی**»، جریان سیال ذهن، تهران: علمی فرهنگی.
- جزینی، محمدجواد، (۱۳۹۱)، «**آشنایی با داستان‌های رنالیسم جادویی**»، تهران: جامی.
- فرزاد، عبدالحسین، (۱۳۹۲)، «**درباره‌ی نقد ادبی**»، تهران: قطره.
- قاسم‌زاده، سیدعلی و سعید بزرگ بیگدلی، (۱۳۹۷)، «**رمان اسطوره‌ای**»، تهران: چشمه.
- معروفی، عباس، (۱۳۸۲)، «**سال بلوا**»، تهران: ققنوس.
- میرصادقی، جمال و میمنت، (۱۳۷۷)، «**واژه‌نامه هنر داستان نویسی**»، تهران: کتاب مهناز.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۸۸)، «**عناصر داستان**»، تهران: سخن.
- پارسی‌فر، حسین و فرشته میلادی و ندا استغی، (۱۴۰۱)، «مطالعه مؤلفه‌های مدرنیسم داستانی در سه رمان عباس معروفی سمفونی مردگان، سال بلوا، تماماً مخصوص»، **نشریه‌ی متن پژوهی ادبی**، شماره ۹۲، صص ۱۹۵-۲۲۲.
- پورنامداریان، تقی و مریم سیدان، (۱۳۸۸)، «بازتاب رنالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین سعدی»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، شماره ۶۴.
- تیموری، طناز و همکاران، (۱۴۰۲)، «تحلیل کارکردهای گفتمانی رمان سال بلوا با رویکرد نورمن فرکلاف»، **فصلنامه‌ی علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء**، سال پانزدهم، شماره ۴۷، صص ۱۸۴-۱۵۷.
- خزاعی‌فرد، علی، (۱۳۸۶)، «رنالیسم جادویی در تذکره الاولیا»، **نامه‌ی فرهنگستان**، شماره ۳۵، صص ۶-۲۱.
- سیفی، طیبه، (۱۴۰۱)، «تحلیل تطبیقی رنالیسم جادویی در رمان «الرجع البعید» فؤاد تکرلی و «طوبی و معنای شب» شهرنوش پارسی‌پور»، **فصلنامه‌ی علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی**، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۲۱.

- قاسم‌زاده، رضا، (۱۳۹۵)، کارکرد اسطوره و نماد در آثار داستانی منیرو روانی‌پور، کنفرانس بین‌المللی ادبیات و زبان‌شناسی، دوره اول.
- موسوی‌نیا، نورا، (۱۳۸۵)، «اسطوره در ادبیات آمریکای لاتین»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱، ۱۰۳-۱۳۰.
- میرزایی‌نیا و بهروز سالمی مغانلو، (۱۳۹۶)، «تحلیل عناصر داستانی و رئالیسم جادویی رمان الفجریه یوسف المخرجی»، مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۴۵، ۱۹۶-۱۷۳.
- ناظمیان، رضا و علی گنجیان خنازی و همکاران، (۱۳۹۳)، «بررسی گزاره‌های رئالیسم جادویی در رمان عزاداران بیل از غلامحسین ساعدی و شب‌های هزار شب از نجیب محفوظ»، ادب عربی، شماره ۲، ۱۵۷-۱۷۹.
- نیکوبخت، ناصر و مریم رامین‌نیا، (۱۳۸۴)، «بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۸، ۱۳۹-۱۵۴.
- شیروانی، مرضیه، (۱۳۹۹)، نقد رئالیسم جادویی در ادبیات داستانی معاصر فارسی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز.

Reflection of Magical Realist Elements in Abbas Maroufi's *The Year of Turmoil*

Solmaz Razzaghzadeh Shabestari¹ 

DOI: 10.22080/rjls.2023.26164.1437

Abstract

Magical realism, as its name implies, is a mixture of reality and fantasy. In Magical realist texts, the structure and basis of reality undergoes changes and transformations, and sometimes reality is so mixed with imagination, dreams, magic, and otherworldly elements that it becomes difficult to distinguish the border between them. The components of Magical realism can be examined on two levels of structure and content. At the content level, components such as imagination, duality (confrontation), code and symbolism, dreams and legends, the inexcusability of some events, the presence of the element of surprise, and ambiguity are noticeable. At the level of structure, components such as surrealist and expressionist descriptions, description of details, perspective and the fluid flow of the mind are located. Due to its special characteristics and closeness to Iranian culture and literature, this style has always been welcomed by Persian writers and singers. Abbas Maroufi is one of the writers who has used this method in writing his fictional and dramatic works. In the present research, using a descriptive-analytical method and library sources, I first intend to elaborate on the history and characteristics of Magical realism and then pinpoint the characteristic features of this style in *The Year of Turmoil*. Although some examples extracted from this novel are not fully aligned with these characteristics, this research is an effort to shed light on these characteristics in this novel.

Keywords: Contemporary novel, Magical realism, Abbas Maroufi, *The Year of Turmoil*

Extended Abstract

Introduction

Magical realism is a branch of the school of Realism where the structure and foundation of reality undergo change and transformation. Magical realism usually has imaginary and unfamiliar themes. In works written in the style of Magical realism, everything appears natural, but there is also an

¹PhD in Persian language and literature, Lecturer at Islamic Azad University, Iran. razzagh.pass@gmail.com.

unnatural or magical element that creates the story's space and world, giving it its own unique cause-and-effect relationships.

Literary works based on the principles of this style are among the most popular with writers, readers, and critics today. The numerous works written in this style prove this claim. In Iran, too, considering the history of legends and native beliefs, Magical realism has attracted the attention of writers. Persian writers have also utilized this storytelling method in their works. Over the past decades in Iran, we have witnessed the emergence of authors and novelists who have shown interest in this style of storytelling. The depiction of the clash between tradition and modernity, the expression of political viewpoints, myth-making, the representation of regional culture, and the display of feminist themes have led Iranian writers to turn to Magical realism (see Shirvani, 2020: 60).

Abbas Maroufi is one of the writers who has used this narrative style in creating some of his works. In *The Year of Turmoil*, he employs tools and elements such as myth, symbol, superstition, native beliefs, incredible and inexplicable events, magic, illusion and fear, the supernatural, ambiguity, surreal descriptions, stream of consciousness, and variable perspectives to create a novel in the style of Magical realism. This research extracts the mentioned elements from this novel and then examines and analyzes them.

Research Methodology and Questions

In this research, the author aims to use a descriptive-analytical method and library sources to define and describe the history and characteristics of magical realism and to show the reflection of these features in this novel. To this purpose, the following questions will be of use:

- What are the most important elements of Magical realism?
- Can *The Year of Turmoil* be considered a work of Magical realism?
- What are the propositions of Magical realism in *The Year of Turmoil* and how frequently do they appear?

Conclusion

The integration of reality with fantasy is the main component in stories written in the style of Magical realism. To better create this integration, writers use tools and elements such as myth, symbol, superstition, native beliefs, incredible and inexplicable events, magic, illusion and fear, the supernatural, ambiguity, surreal descriptions, stream of consciousness, and variable perspectives to make unreal events and happenings appear real to

the reader. Abbas Maroufi is one of the writers influenced by this storytelling style. Examples of this influence can be seen in *The Year of Turmoil*. The research results show that many of the elements of Magical realism – such as myth, symbol, superstition, native beliefs, incredible and inexplicable events, magic, illusion and fear, the supernatural, ambiguity, surreal descriptions, stream of consciousness, and variable perspectives – are present in *The Year of Turmoil*. Not all of the elements of Magical realism in this novel occur as frequently. Elements such as symbol, myth, incredible events, illusion, native beliefs, and superstition are highly frequent in this novel whereas elements like the blending of imagination with reality, the existence of supernatural forces, and ambiguity are occasionally observed. Some of the mentioned examples do not fully align with the intended characteristics, but overall, with some leniency, this novel can be classified as one which is written in the style of Magical realism. Comparisons show that the characteristics of Magical realism in this novel are less pronounced than in other prominent novels of this style, such as *The Drowned* by Moniro Ravanipour and *Touba and the Meaning of Night* by Shahrnush Parsipur.

References

Cuddon. John Anthony. (1992). **The Penguin Dictionary of Literary Terms and Literary Theory**. Penguin Books.